

اخبار فرهنگی

پیشگام هنر تنورسازی در ایجرود درگذشت

نسباء امینی یکی از شاخص ترین هنرمندان حوزه صنایع دستی بود، گنجینه زنده بشری و پیشگام هنر تنورسازی در روستای تاریخی و گردشگری گلادر شهرستان ایجرودبود که در ۹۱ سالگی درگذشت.مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری وصنایع دستی استان زنجان گفت:نسباء امینی در سال ۱۳۹۶ توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری وصنایع دستی به عنوان «گنجینه زنده بشری» معرفی شده بود و بنیان گذار روش خاص تنورسازی در روستای گلادر با استفاده از تکنیک خاص و بدون نیاز به چرخ سفالگری بود.سید میکائیل موسوی بیان کرد: هنر این هنرمند بر گنه تنها باعث حفظ یک سنت قدیمی شده، بلکه نقش مهمی در افزایش جذابیت های گردشگری و میراث فرهنگی شهرستان ایجرود و روستای گلادر ایفا کرده است. به گفته وی، آثار دست ساز او و شاگردانش، از جمله تنور های سنتی، از دارایی های ارزشمند فرهنگی این منطقه به شمار می رود.

■ ■ ■

مجموعه مستند ایرانی در جشنواره ایتالیا

مجموعه مستند «یلی من» به تهیه کنندگی احمد رمضانی و کارگردانی صادق قاسمی، به عنوان اثر برگزیده در نهمین دوره جشنواره بین المللی فیلم قوم نگاری فیورنزوسرا (Firenzo Serra Film Festival) ایتالیا به نمایش در می آید.به گزارش پایگاه اطلاع رسانی سینمایان ویداد از ۱۴ تا ۱۴ اذر ۱۴۰۵ تا ۵ دسامبر ۲۰۲۶) در شهر ساساری ایتالیا بر گزار می شود. جشنواره فیورنزو سرا که توسط انجمن سینتکسار داو دیار تمان تاریخ و علوم انسانی دانشگاه ساساری برگزار می شود، یکی از رویدادهای تخصصی در حوزه سینمای قوم نگاری و انسان شناسی بصری است.مجموعه مستند «یلی من» با بهره گیری از پژوهش میدانی، اثری آموزشی است که با هدف آشنایی مخاطبان با نقش عروسک های بومی و سنتی در تربیت کودکان اقوام مختلف ایرانی تولید شده است.این مجموعه بیننده را به سفری در فرهنگ و هویت محلی ایران می برد تا از طریق معرفی عروسک های سنتی، هویت فرهنگی و اجتماعی این میراث ناملموس را کشف کند و پیوندی میان سنت،انتقال بین نسلی دانش و روایت مستند برقرار سازد.

با اجرای ارکستر آنام:

کنسرت «شب موسیقی آذربایجانی» برگزار می شود

کنسرت «شب موسیقی آذربایجانی» با صدای ودود مؤذن و به رهبری وحید علی پور، ۱۲۰ آبان ماه به محویت قطعات فولکلور آذربایجان، آثار آهنگسازان این منطقه

و بخش هایی از ابراهای آذربایجانی، طی دو سانس در برج میلاد تهران بر گزار می شود.به گزارش ایلتار، کنسرت آنام در کنسرت «شب موسیقی آذربایجانی» مجموعه ای آثار موسیقی آذربایجان را پیش روی مخاطبان قرار می دهد.این برنامه با همراهی گروه کر هم سرا به رهبری کیانا خواجه و با حضور نوازندگان از کستر بر گزار خواهد شد. در این کنسرت، قطعاتی از آثار آهنگسازان آذربایجانی اجرا می شود که از جمله آن ها می توان به قطعات «لاله لار»، «آلا گوز»، «سنة قفالم» و «لیمان» اشاره کرد که در همین بخش هایی از ابراهای شناخته شده آذربایجانی، از جمله «مشدی عباد»، «آرشین مال آلان» و «یلی و مجنون»، در برپرتوار اجرایی این برنامه قرار دارد. در این اجرا بهرام بنیادی به عنوان کنسرت ماستر و نوازنده تار و رضا بنیادی به عنوان نوازنده کامنچه حضور دارند. تنظیم قطعات را نیز جواد آبراهان بر عهده دارد.

■ ■ ■

دایزنی های سینمایی ایران و قزاقستان کلید خورد

در دیدار وابسته فرهنگی ایران و مدیران ارشد شرکت «کینوپارک» آلمانی قزاقستان، ضمن بررسی راهکارهای عملیاتی برای توسعه همکاری های سینمایی دوجانبه و ابعاد مختلف اعضای یک تفاهم نامه اجرایی مشترک، توافق شد «هفته فیلم ایران در آلمان» از ماه اسسال برگزار شود. به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در نشست محمدمسعود صادقی، وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آلمانی و آیدین بکپائو کوف، ارلان بوخار بابایف و ژاناپالوولوه،مدیران ارشد شرکت «کینوپارک» در محل دفتر مرکزی این شرکت، طرفین راهکارهای راهبردی جهت گسترش توسعه همکاری های سینمایی میان ایران و قزاقستان را مورد بحث و بررسی قرار داده و بهسرت های لازم برای تعاملات هنری دوجانبه را تبیین کردند. به همین منظور مقرر شد، «هفته فیلم ایران» از ۱۱ تا ۱۵ دسامبر ۲۰۲۶ (۲۰ تا ۲۴ آذر ماه) در سالن های سینمایی مجهز شرکت «کینوپارک» واقع در مرکز خریدوسر گرمی «پورت ایست» آلماتی برگزار شود. در طول بر گزار ی این رویداد پنج روزه، ۵ انیمیشن ویژه ویژه کودکان و نوجوانان و ۵ فیلم سینمایی ویژه بزرگسالان به زبان فارسی و با زیرنویس قزاقی یا روسی پخش خواهد شد.

■ ■ ■

شروع همکاری کتابخانه ای ایران و آلمانی

وابستگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه مرکزی عمومی استاندارد ی منطقه آلمانی در راستای ایجاد زمینه ای مستحکم برای توسعه همکاری های فرهنگی، علمی و بشردوستانه میان دو کشور، تفاهم نامه همکاری کتابخانه ای امضا کردند. به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اعضای این تفاهم نامه توسط محمدمسعود صادقی، وابسته فرهنگی ایران و غالیاتو کلیاپو، مدیر کتابخانه مرکزی عمومی منطقه آلمانی صورت گرفت که گامی نور در جهت نهاد بنه سازی تعاملات فرهنگی دو کشور به شمار می رود. این تفاهم نامه با هدف تقویت روابط در حوزه های کتابداری، آموزش، علم، فرهنگ و اجرای پروژه های مشترک تنظیم شده است. این رویدادبستری جذاب برای معرفی سنت های ملی، فرهنگ غذایی و ارزش های معنوی مشترک فراهم آورده و به توسعه گفت و گو ی میان فرهنگی کمک خواهد کرد.

درباره نمایش «شاخ بی سر» محمد برهمنی

زیستن در دوزخ شخصی



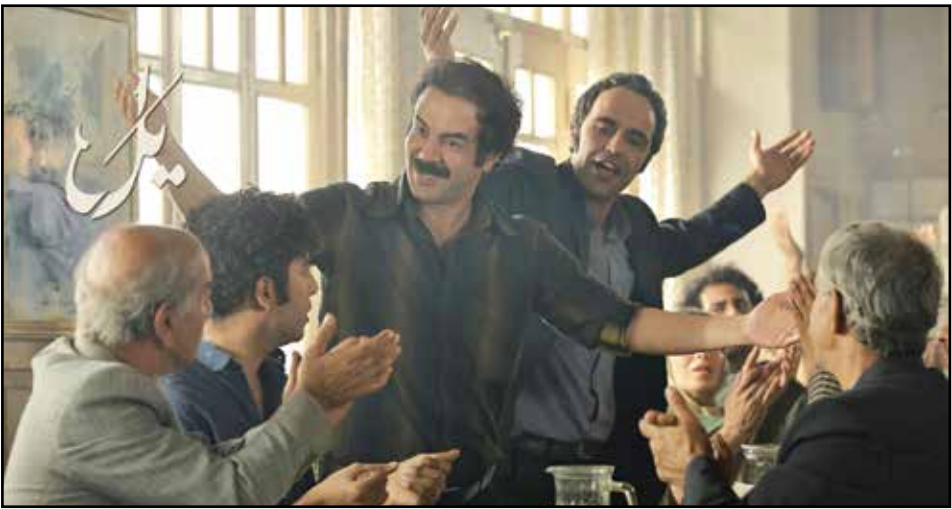
محمدحسین خدایی

نمایش «شاخ بی سر» گرفتار فضایی کابوس وار است و لاجرم هر آن چیزی که واقعی به نظر آید را از کار می اندازد. بنابراین بحران در این اجرا مربوط می شود به مسئله عینیت. تو گوئی هر آن چه که مشاهده می شُود و حضور در این جغرافیای جلال را معنا می بخشد، بیش از آنکه واقعیت داشته باشد پدیده ای است ملهم از منطق ذهنی شخصیت اصلی نمایش که گرفتار شیزوفرنی است. این تضاد حل ناشدنی مابین واقعیت و خیال تا انتهای نمایش ادامه یافته و تنها در صورتی پایان می یابد که رازهای مگو آشکار شده و نسبت مابه گذشته از نور تپندی شود. از این منظر، می توان نمایش محمد برهمنی را یکی از همان روایت های پر فراز و نشیبی دانست که رابطه انسان و خاطرات گذشته اش را می کلودو در این وادی نه چندان سراسر است، هراس را بیش از اطمینان به رخ می کشد. اجرایی که در ساحت روانشناختی می ماند تا خبر چندان ای از امر اجتماعی در آن نباشد. همچنان که لو کاج در رابطه با بحران واقعیت در جهان سرمایه داری می گوید، وجود تناقض مابین ذهنیت انسان مدرن شهری با عینیت جامعه امری است غیر قابل کتمان. لو کاج باور دارد که رسالت یک اثر هنری می تواند تلاش برای رفع و رجوع این تناقض باشد و نزدیک کردن این دو حوزه. اما آن چیزی که در اجرای برهمنی کمابیش دیده می شود فاصله ای است که میان امر ذهنی و واقعیت موجود در جریان است و رفع و رجوع نمی شود. به عبارت دیگر، ذهنیت فروپاشیده شخصیت اصلی نمایش، احاطه ای بر واقعیت پیرامونی ندارد و این منطق کابوس وار زندگی او است که این روزهایش را معنا می کند. در این بین، هر نوع تقلا برای فاصله گیری از این هاویه، به محکوم به شکست است چرا که واقعیت موجود، توان تاب آوری در مقابل

برده نقره ای

نگاهی به ویژگی های مثبت و منفی جدیدترین سریال نمایش خانگی:

«یل» می تواند از سایه «پوست شیر» بیرون بیاید؟



متصل می شوند و آیا گر ه های داستانی از منطق درونی بر خور دارند یا نه.



محمد تنی زاده

سریال «یل» باورده به جهان جنایت، رازهای پنهان و مناسبات پیچیده یک جامعه روستایی در دهه ۱۳۵۰، از همان ابتدا مخاطب را با پرسشی اساسی روبه روی کند: پرس این اتفاق ها چه چیزی پنهان شده و آدم های ای قصه تا کجا در شکل گیری آن نقش دارند؟ جمشید محمودی در تازترین تجربه سریالی خود، بار دیگر به قلمرویی بازگشته که در آن روابط انسانی، رازهای خانوادگی و خشونت یکدیگر گرمی خورند. باین حال، «یل» از همان آغاز با انتظاری مضاعف مواجه است؛ انتظاری که موفقیت «پوست شیر» برای سلازندگانش ایجاد کرده و حالا هر انتخاب روایی و سینمایی تازه را از سایه مقایسه با آن فرامی دهد.

سه قسمت نخست «یل» را می توان مقدمه ای برای ورود به جهانی دانست که هنوز همه قواعدش آشکار نشده است. سریال در ایجاد کنجکوی و شکل دادن به یک موقعیت جنایی ظرفیت دارد، اما در کنار این امتیازها، بر پرسش هایی درباره هویت مستقل اثر، کیفیت بازسازی تاریخی، عمق شخصیت پردازی و نسبت میان تعلیق و کش دادن روایت نیز مطرح می شود. مسئله این نیست که «یل» از همین ابتدا باید به تمام پرسش هایش پاسخ دهد؛ مسئله آن است که آیا هر قدم در مسیر داستان، شناخت مخاطب از شخصیت ها و جهان آن ها را افزایش می دهد یا صرفاً بر ایجادپهمامیافزاید.

تعلیق: نقطه قوتی که هنوز باید به نتیجه برسد

یکی از امتیازهای آغاز «یل»، بهرپیزاز مقدمه چینی بیش از اندازه و حرکت نسبتاً سریع به سوی بحران اصلی است. سریال برای جلب توجه مخاطب، به مجموعه طولانی از توضیحات اولیه متوسل نمی شود؛ با قرار دادن شخصیت هادر موقعیتی غیرعادی، زمینه شکل گیری پرسش های اصلی را فراهم می کند. این انتخاب برای یک درام جنایی اهمیت دارد؛ زیرا مخاطب از همان ابتدا احساس می کند با وضعیتی روبه روست که ظاهر ساده آن رازهای پیچیده تری را پنهان کرده است. تعلیق در «یل» فقط از پنهان ماندن هویت عامل جنایت ناشی نمی شود. بخشی از جذابیت قصه به این احتمال بازمی گردد که آنچه در یک جامعه کوچک رخ داده، نامی تواند مستقل از روابط و مناسبات جامعه مفهیده شود. در چنین فضایی، هر شخصیت بالقوه حامل اطلاعاتی است که ممکن است برداشت مخاطب از حوادث را تغییر دهد. این ظرفیت، سریال را از یک معمای ساده فراتر می برد و امکان ورود به قلمرو درام اجتماعی را نیز فراهم می کند.

با این حال، میان ایجاد پرسش و پیشبرد معما تفاوت وجود دارد. تعلیق زمانی مؤثر است که هر اطلاعات تازه، حتی اگر پاسخ قطعی ندهد، افق تازه ای برای فهم داستان باز کند. اگر روایت فقط با مقیابنداختن پاسخ ها به حیات خود ادامه دهد، کنجکوی اولیه به تدریج جای خود را به انتظار متغله ای می دهد. در سه قسمت نخست ظرفیت ایجاد تعلیق قابل مشاهده است، اما برای ارزیابی کامل آن باید دید اطلاعات تازه چگونه به یکدیگر



سید جمال خدایی

و یک فضای ذهنی را چنان اصالت بخشیده که خبر چندان ای از واقعیت اجتماع در طول اجرا دیده نشود. ارجاعاتی که به هملت و یو کاسته و دیگران می شود در بسیاری از دقایق چیزی بیش از یک یادآوری نبوده و به نظر می آید اگر این ارجاعات حذف شده و روایت هملت و یو کاسته بدون نام بردن از آنان مورد استفاده قرار گیرد، بتوان اجرایی خودبسنده به صحنه آورد که مجبور نباشد مدام از نام فیگورهای ادبی استفاده کند. در این سال ها چه بسیار اجراهایی که بر صحنه رفت و قرار بود خوانشی تازه از آثار مهمی چون هملت شکسپیر باشد. اما محصل این قبیل تلاش ها آن چیزی نبود که انتظارش می رفت. محمود خسرو پرست در مقام نمایشنامه نویس می تواند بدون نام های خاص، جهان خویش را بسازد و بر مدار خودبستگی بایستد. اما هر چه تمیز نمایش «شاخ بی سر» اثری است که برای به صحنه آمدنش زحمت بسیار کشیده شده و شاید پرشش از ارزش افزودن های که این تلاش تولید می کند بیش از اندازه سودمحورانه تلقی شود.

همانطور که بیان شد اجرا گشوده به امر ذهنی و جهان کابوس واری است که نمی تواند به تمامی زیر سیطره زندگی ملالت بار روزمره باشد. همچنان که نورپردازی شده و محل عبور و مرور است. همایون ادیب تنها در انتهای نمایش است که بعد از کشف حقیقت، قدم به این مسیر دشوار گذاشته و از صحنه خارج می شود. خروج او بی شباهت نیست به آرامشی که افراد پس از مرگ نصیب می برند. علاوه بر این راه پله، یک وان حمام در صحنه تعبیه شده که می تواند به منظور تطهیر، تهدید و غرق شدن در دریای خری باشد که نهنگ ندانسته و اکنون به واسطه عبور همایون ادیسا حلقه آتش به این دریایی ناآل شده است. از این باب می توان گفت طراحی صحنه این نمایش، با آنکه تهاجمی به نظر می آید و به نسبت اجراهای دیگر، قیمت گرانی دارد اما به مثابه مکئی برای تسکین و تهدیب عمل می کند. همچنان که ممارست بسیار توانسته به انجامش برساند. اما شاید بیشترین زاویه ای که می شود با یک اجرا داشت، متن نمایشنامه ای است که محمود خسرو پرست نوشته

قوت سریال نیز ممکن است در سایه مقایسه قرار بگیرند. باین حال، فضای

روستایی و مناسبات اجتماعی آن امکان تمایز مهمی ایجاد می کند. یک جامعه کوچک، روابط شخصی به سادگی از روابط قدرت، اعتبار اجتماعی، ترس و وابستگی جدائی شوند. سکوت یک فرد ممکن است به وفاداری، مصلحت، تهدید یا مشارکت در پنهان کردن حقیقت مربوط باشد. این ویژگی می تواند به «یل» هویتی متفاوت بخشده؛ به شرط آنکه روستا به مجموعه ای از شخصیت های مشکوک محدود نشود و به عنوان یک جامعه باتاریخ، قواعد و مناسبات خاص خود شکل بگیرد.

بنابراین، شباهت به «پوست شیر» به خودی خود کم ضعف نیست؛ اما مسئولیت سازندگان را بر ای اثبات تفاوت های اث تازه، بیشتر می کند. «یل» باید نشان دهد که فضای تاریخی و اجتماعی اش چیزی فراتر از یک پوشش تازه برای فرمولی آنشاست.

فضاسازی تاریخی: میان اتمسفر و باور پذیری

جهان بصری «یل» در ایجاد حال و هوای تیره و ناآرام داستان نقش مهمی دارد. روستا، فاصله میان آدم ها، سکوت محیط و امکان پنهان شدن رازها در دل روابط نزدیک، با فضایی جنایی اثر تناسب دارد. کارگردانی می تواند از همین عناصر برای ساختن تنش استفاده کند و بدون تکیه دائمی بر موسیقی یا حادته، احساس ناامنی را در قاب ها نگه دارد. اما فضاسازی موفق با بازسازی تاریخی دقیق یکسان نیست. یک اثر ممکن است از نظر تر کیببندی، رنگ و اتمسفر چشم نواز باشد، ولی در انتقال هویت زمانی و جغرافیایی خود به اندازه کافی قانع کننده عمل نکند. در «یل» نیز پرسش درباره باور پذیری روستای دهه ۱۳۵۰ اهمیت دارد؛ زیرا زمانه داستان باید در رفتار آدم ها، شکل روابط، مناسبات قدرت و شیوه مواجهه با بحران حضور داشته باشد.

بازسازی تاریخی زمانی از سطح دور و لباس عبور می کند که گذشته در منطق زندگی شخصیت ها از بگذارد. اگر مناسبات اجتماعی و رفتارها تفاوت محسوسی با یک داستان معاصر نداشته باشند، انتخاب دوره تاریخی ممکن است بیشتر به تصمیمی بصری تبدیل شود تا ضرورتی در امر ترکیب. در مقابل، اگر محدودیت ها و قواعد آن زمان بر تصمیم های شخصیت ها اثر بگذارد، بیشتر تاریخی می تواند به یکی از عناصر اصلی معما تبدیل شود. از همین رو، نمی توان تنها با تکیه بر اتمسفر یا ظاهر قاب ها درباره موفقیت کامل فضاسازی داری کرد. «یل» برای تثبیت جهان خود باید میان جذابیت بصری و وقت در بازنمایی مناسبات تاریخی پیوند برقرار کند.

شخصیت پردازی: مسئله ای فراتر از حضور بازیگران شناخته شده

یکی از چالش های مهم، سه قسمت نخست نسبت میان سرعت پیشبرد داستان و فرصت شناخت شخصیت هاست. روایت جنایی به طور طبیعی به اطلاعات ناقص و پنهان کاری نیاز دارد. اما پنهان ماندن را ه ن باید به معنای ناشناخته ماندن انگیزها باشد. مخاطب می تواند ندانند چه کسی مرتکب جنایت شده و ولی باید به تدریج بفهمد شخصیت ها چه می خواهند. اگر می ترسند چه چیزی آن ها را به تصمیم هایشان می رساند.

اگر شخصیت هایش از اندازه در خدمت پیشبرد معما قرار بگیرند، خطر تیپ سازی به وجود می آید. در چنین وضعیتی، یک نفر به مظلون، دیگری به قربانی و شخصیت سوم به حامل اطلاعات تبدیل می شود؛ در حالی که درام در پیچیده به آدم هایی نیاز دارد که رفتارشان همیشه به یک کارکرد مشخص محدود نباشد. شخصیت باورپذیر ممکن است تصمیمی بگیرد که در نگاه اول با منافعش ناسازگار به نظر برسد، اما این تناقضی ایوار گذشته و موفقیت او قابل فهم باشد.

حضور بازیگرانی چون حسین یاری، بابک حمیدیان، نوبید محمدزاده و میلاد کی مرام، ظرفیت اجرایی قابل توجهی در اختیار سریال قرار می دهد. باین حال، نام های آشنا به تنهایی نمی توانند کیفیت نیستند. آنچه اهمیت دارد، میزان تناسب بازیگر با شخصیت، ظرفت کنش ها و توانایی بازی در انتقال اطلاعاتی است که فیلم نامه هنوز به زبان نیاروده است. در مورد پردیس احمدیه نیز

